**سوم خرداد, روز آزادسازی خرمشهر**



پیام امام خمینی ره به مناسبت آزادسازی خرمشهر

حضرت امام خمینی (ره) سوم خرداد ۱۳۶۱ مصادف با ۳۰ رجب ۱۴۰۲ پیامی خطاب به ملت ایران صادر فرمودند.

**متن این پیام به شرح زیر است:**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

با تشکر از تلگرافاتی که در فتح خرمشهر به این‌جانب شده است، سپاس بی حد بر خداوند قادر که کشور اسلامی و رزمندگان متعهد و فداکار آن را مورد عنایت و حمایت خویش قرار داد و نصر بزرگ خود را نصیب ما فرمود. اینجانب با یقین به آن‌که ما «النصر الا من عندالله» از فرزندان اسلام و قوای سلحشور مسلح، که دست قدرت حق از آستین آنان بیرون آمد و کشور بقیه‌الله الاعظم \_ ارواحنا لمقدمه الفداء - را از چنگ گرگان آدمخوار که آلت‌هایی در دست ابرقدرتان خصوصا آمریکای جهانخوارند بیرون آورد و ندای «الله اکبر» را در خرمشهر عزیز طنین‌انداز کرد و پرچم پرافتخار «لا اله الا الله» را بر فراز آن شهر خرم - که با دست پلید خیانتکاران قرن به خون کشیده شده و «خونین شهر» نام گرفت \_ [بیافراشت] تشکر می‌کنم. و آنان فوق تشکر امثال من هستند. آنان به یقین مورد تقدیر ناجی بشریت و برپاکننده‌ی عدل الهی در سراسر گیتی \_ روحی لتراب مقدمه الفداء \_ می‌باشند. آنان به آرم ما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی مفتخرند.

مبارک باد و هزاران بار مبارک باد بر شما عزیزان و نور چشمان اسلام این فتح و نصر عظیم که با توفیق الهی و ضایعات کم و غنایم بی‌پایان و هزاران اسیر گمراه و مقتولین و آسیب‌دیدگان بدبخت که با فریب و فشار صدام تکریتی، این ابرجنایتکار دهر، به تباهی کشیده شده‌اند، سرافرازانه برای اسلام و میهن عزیز افتخار ابدی به هدیه آورد. و مبارک باد بر فرماندهان قدرتمند که فرماندهان چنین فداکارانی هستند که ستاره‌ی درخشنده‌ی پیروزی‌های آنان بر تارک تاریخ تا نفخ صور نورافشانی خواهد کرد. و مبارک باد بر ملت عظیم‌الشأن ایران اینچنین فرزندان سلحشور و جان برکفی که نام آنان و کشورشان را جاویدان کردند. و مبارک باد بر اسلام بزرگ این متابعانی که در دو جبهه‌ی جنگ با دشمن باطنی و دشمنان ظاهری پیروزمندانه و سرافراز امتحان خویش را دادند و برای اسلام سرافرازی آفریدند.

و هان ای فرزندان قرآن کریم و نیروهای ارتش و سپاهی و بسیج و ژاندارمری و شهربانی و کمیته‌ها و عشایر و نیروهای مردمی داوطلب و ملت عزیز، هوشیار باشید که پیروزی‌ها هرچند عظیم و حیرت‌انگیز است شما را از یاد خداوند که نصر و فتح در دست اوست غافل نکند و غرور و فتح شما را به خود جلب نکند؛ که این آفتی بزرگ و دامی خطرناک است که با وسوسه‌ی شیطان به سراغ آدم می‌آید و برای اولاد آدم تباهی می‌آورد. و من با آنکه به همه‌ی شما اطمینان تعهد به اسلام دارم، لکن از تذکر، که برای مومنان نفع دارد، باید غفلت نکنم؛ چنان‌چه از نصیحت به حکومت‌های همجوار و منطقه دریغ ندارم. و آنان می‌دانند امروز با فتح خرمشهر مظلوم، دولت و ملت پیروزمند ما از موضع قدرت سخن می‌گوید. و من به پیروی از آنان به شما اطمینان می‌دهم که اگر از اطاعت بی چون و چرای آمریکا و بستگان آن دست بردارید و با ما به حکم اسلام و قرآن کریم رفتار کنید، از ما جز خیر و پشتیبانی نخواهید دید. و شما بدانید آن‌قدر که ابرقدرت‌ها از صدام، این نوکر چشم و گوش بسته، پشتیبانی کردند از شماها که قدرت‌های کوچک و حکومت‌های ضعیف هستید پشتیبانی نمی‌کنند. و شما عاقبت این جنایتکار و هم‌قطار جنایتکارش شاه مخلوع را به عیان دیده‌اید. قدرت‌های بزرگ بیش از آن‌چه از شما استفاده نمایند از شما طرفداری نمی‌کنند. و شماها را برای منافع خویش به هلاکت می‌کشند. و من نصیحت برادرانه به شما می‌کنم که کاری نکنید که قرآن کریم برای برخورد با شما تکلیف نماید و ما به حکم خدا با شما رفتار کنیم. و یقین بدانید که امثال حسنی مبارک مصری و حسین اردنی و دیگر هم جنایتکاران آنان برای شما نفعی ندارند و دین و دنیای شما را تباه می‌کنند. و اگر با نشست‌های خود بخواهید طرح کمپ دیوید یا فهد را که مرده‌اند، زنده کنید؛ که ما خطر بزرگ برای کشورهای اسلامی خصوصا حرمین شریفین می‌دانیم، اسلام به ما اجازه‌ی سکوت نمی‌دهد و این‌جانب در پیشگاه مقدس خداوند تکلیف الهی خود را ادا نمودم. اکنون دست تضرع و دعا به سوی خالق یکتا بلند کرده و به قوای مسلح اسلام و فداکاران قرآن کریم و میهن عزیز ایران دعا می‌کنم، و سلامت و سعادت و پیروزی آنان را خواستار هستم.

سلام و درود بی‌پایان بر فرماندهان متعهد قوای مسلح و بر رزمندگان فداکار و بر ملت دلیر ایران عزیز و سرشار از شادی‌ها. والسلام علی عبادالله الصالحین.

**روح‌الله الموسوی الخمینی**

**منبع: صحیفه امام خمینی (ره (جلد شانزدهم صفحه ۲۵۷**

**● آثار و نتایج‌ عملیات‌ بیت‌ المقدس‌**

بزرگترین‌ نتیجه‌ و دستاورد عملیات‌ بیت المقدس، فتح‌ خرمشهر بود، فتح‌ خرمشهر به‌ منزله‌ بزرگترین‌ پیروزی‌ نظامی- سیاسی‌ جمهوری‌ اسلامی‌ ایران‌ در جنگ‌ تلقی‌ شده‌ و در مقابل، دشمن‌ و حامیانش‌ (آمریکا و شوروی، اروپا و کشورهای‌ مرتجع‌ عرب) نیز بزرگترین‌ ضربه‌ سیاسی‌ نظامی‌ را متحمل‌ شدند. فتح‌ خرمشهر صرف‌ نظر از بازتاب‌ و نتایج‌ سیاسی‌ آن، از نظر نظامی‌ نیز بسیار حائز اهمیت‌ بود. عوامل‌ موثر در پیروزی‌ ایران‌ علاوه‌ بر استراتژی‌ برتر، اجرای‌ تاکتیک‌ ویژه‌ عملیات‌ عبور از رودخانه‌ کارون‌ و افزایش‌ توان‌ رزمی‌ سپاه‌ بود. در این‌ عملیات‌ سپاه‌۱۰۰ تا۱۲۰ گردان نیرو در قالب‌ تیپ‌ (با استعداد لشکر) را وارد عملیات‌ کرد که‌ در مقایسه‌ با عملیات‌ ثامن‌الائمه(ع)، تنها در فاصله‌۹ ماه، توان‌ رزمی‌ سپاه‌ نزدیک‌ به‌ ده‌ برابر رشد و افزایش‌ را نشان‌ میداد.

خرمشهر در روند تحولات‌ جنگ‌ تحمیلی‌ به‌ عنوان‌ نماد و مظهر مقاومت‌ سرسختانه‌ ایران‌ و پیروزی‌ بر عراق‌ به‌ شمار میرفت. به‌ همین‌ دلیل‌ عملیات‌ بیت‌المقدس‌ و نتایج‌ آن‌ به‌ یک‌ معنا میتوانست‌ سرنوشت‌ جنگ‌ و موقعیت‌ سیاسی‌ رژیم‌ عراق‌ را مشخص‌ نماید. مواضع‌ و استحکامات‌ عراق‌ در خرمشهر و آمادگی‌ برای‌ مقابله‌ با تهاجم‌ رزمندگان‌ اسلام، این‌ امیدواری‌ را برای‌ حامیان‌ جهانی‌ و منطقه‌ای‌ عراق‌ به‌ وجود آورده‌ بود که‌ عراق‌ با حفظ‌ خرمشهر و با ایجاد تاخیر در آزادسازی‌ آن، ضمن‌ فرسایش‌ توان‌ نظامی‌ ایران، فرصت‌ لازم‌ را برای‌ آمادگی‌ عراق‌ جهت‌ مقابله‌ با وضعیت‌ جدید فراهم‌ خواهد ساخت. سرعت‌ عمل‌ قوای‌ نظامی‌ ایران‌ با اتکا‌ به‌ تاکتیک‌ ویژه‌ عملیات‌ عبور از رودخانه‌ کارون‌ و سقوط‌ مواضع‌ عراق‌ و آزادسازی‌ زودهنگام‌ خرمشهر، نه‌ تنها تمامی‌ امیدهای‌ حامیان‌ عراق‌ را بر باد داد، بلکه‌ دامنه‌ نگرانی‌ و اضطراب‌ آنها را در مورد سرنوشت‌ سیاسی‌ رژیم‌ صدام‌ و آینده‌ منطقه‌ گسترش‌ داد.

از نظر نظامی‌ اجرای‌ چهار عملیات‌ پیروز طی‌۸ ماه‌ نشان‌ دهنده‌ تجدید قوای‌ نظامی‌ ایران‌ بود. متقابلا ناتوانی‌ عراق‌ برای‌ دفاع‌ از مواضع‌ و استحکامات‌ خود، به‌ منزله‌ از بین‌ رفتن‌ توان‌ نظامی‌ این‌ کشور و در نتیجه‌ سقوط‌ احتمالی‌ رژیم‌ عراق‌ ارزیابی‌ می‌شد.

از بعد سیاسی، در واقع‌ عراق‌ با از دست‌ دادن‌ خرمشهر، تکیه‌گاهش‌ را برای‌ مذاکره‌ از دست‌ داد. به‌ عبارت‌ دیگر خرمشهر برای‌ عراق‌ به‌ عنوان‌ "برگ‌ برنده" محسوب‌ میشد که‌ با آزادسازی‌ آن‌ به‌ دست‌ رزمندگان‌ اسلام‌ و عقب‌ نشینی‌ تحقیرآمیز و مفتضحانه‌ ارتش‌ دشمن، رژیم‌ عراق‌ به‌ نقطه‌ پایان‌ نزدیک‌ می‌شد.

از سوی‌ دیگر پیروزی‌ های‌ جمهوری‌ اسلامی‌ در بعد نظامی‌ و در مقابله‌ با رژیم‌ متجاوز بعث‌ عراق‌ در روند تثبیت‌ اوضاع‌ داخلی‌ و تسریع‌ آن، نقش‌ بسیار مهمی‌ داشت. فرار بنی‌صدر و توطئه‌های‌ مختلف‌ گروههای‌ ضدانقلاب‌ تا حدودی‌ کشور را دچار بی‌ثباتی‌ و اغتشاش‌ کرده‌ بود. اما پیروزی‌ های جمهوری‌ اسلامی‌ در عرصه‌های‌ نظامی‌ جنگ، ثبات‌ و اقتدار را برای‌ نظام اسلامی‌ به‌ ارمغان‌ آورد و توطئه‌های‌ دشمنان‌ را به‌ شکست‌ مفتضحانه‌ کشاند.

عملیات‌ بیت‌ المقدس‌ که‌ درنهایت‌ منجر به‌ آزادسازی‌ خرمشهر گردید، در روند سلسله‌ عملیات‌ رزمندگان‌ اسلام‌ و پیروزی‌ های‌ جمهوری‌ اسلامی‌ ایران‌ از جایگاه‌ و اهمیت‌ ویژه‌ای‌ برخوردار است، زیرا ضربه‌ اساسی‌ و تعیین‌ کننده‌ای‌ بر پیکر دشمن‌ و حامیان‌ او وارد ساخت‌ و تمام‌ معادلات، باورها و ذهنیت‌ هایی‌ را که‌ در مورد تواناییها و قابلیتهای‌ نظامی‌ جمهوری‌ اسلامی‌ و عراق‌ وجود داشت، تغییر داد. سرعت‌ عمل‌ و ویژگیهای‌ عملیاتی‌ رزمندگان‌ اسلام‌ در فتح‌ خرمشهر، بسیاری‌ از کارشناسان‌ نظامی‌ و تحلیلگران‌ رسانه‌های‌ خارجی‌ و رژیم‌ پرادعای‌ عراق‌ را، غافلگیر، مبهوت‌ و شگفت‌ زده‌ کرد. این‌ پیروزی‌ موقعیت‌ برتر سیاسی- نظامی‌ جمهوری‌ اسلامی‌ را در سطح‌ منطقه‌ فارس‌ و خاورمیانه‌ آشکار کرد.

نظر به‌ اهمیت‌ نتایج‌ و تبعات‌ فتح‌ خرمشهر، به‌ ویژه‌ انعکاس‌ و بازتاب‌ آن‌ در منطقه‌ و جهان، آثار و نتایج‌ آن‌ را در سه‌ بخش‌ مورد بحث‌ و و بررسی‌ قرار می‌ دهیم.

**1- تغییر ماهیت‌ جنگ‌**

جمهوری‌ اسلامی‌ ایران‌ تا قبل‌ از این‌ پیروزیها تحت‌ تاثیر ابعاد و اهداف‌ تهاجم‌ عراق‌ و در موضع‌ انفعالی‌ قرار داشت، اما از زمان‌ شکسته‌ شدن‌ حصر آبادان‌ (مهر۱۳۶۰ ) این‌ وضعیت‌ کاملا تغییر کرد. بی‌ثباتی‌ در جبهه‌ داخلی‌ و فقدان‌ قابلیت‌ نظامی‌ لازم‌ برای‌ بازپس‌ گیری‌ مناطق‌ اشغالی‌ دو مشخصه‌ بارز جمهوری‌ اسلامی‌ ایران‌ در این‌ دوره‌ بود. چنین‌ وضعیتی، امکان‌ هرگونه‌ تحرک‌ و فعالیت‌ گسترده‌ را از نیروهای‌ نظامی‌ ایران‌ سلب‌ کرده‌ بود و عوامل‌ ذینفع‌ در تحمیل‌ جنگ‌ به‌ ایران‌ امیدوار بودند که‌ جمهوری‌ اسلامی‌ سرانجام‌ تحت‌ فشار مشکلات‌ یادشده، صلح‌ تحمیلی‌ را نیز بپذیرد. ابزار لازم‌ برای‌ تحقق‌ هدف‌ مذکور، علاوه‌ بر حضور نیروهای‌ نظامی‌ عراق‌ در مناطق‌ اشغالی، اعمال‌ فشارهای‌ سیاسی- نظامی‌ در داخل‌ و نیز در سطح‌ منطقه‌ و بین‌الملل‌ به‌ ایران‌ بود.

درپی‌ تحولات‌ در جبهه‌ داخلی‌ و سپس‌ تاثیرات‌ آشکار آن‌ بر جبهه‌ نظامی، روند تحولات‌ با شکسته‌ شدن‌ محاصره‌ آبادان‌ به‌ سود جمهوری‌ اسلامی‌ ایران‌ تغییر کرد. به‌ گونه‌ای‌ که‌ آزادسازی‌ مناطق‌ اشغالی‌ در خوزستان‌ و بخشی از استان‌ ایلام ( ‌۱۰۰۰۰ کیلومترمربع) و فتح‌ خرمشهر، منجر به‌ پیدایش موقعیت‌ جدیدی‌ شد که‌ برتری‌ سیاسی- نظامی‌ ایران‌ بر عراق‌ را مسجل‌ و قطعی‌ کرد. ضمن‌ این‌ که‌ دورنمای‌ مبهم‌ و تاریکی‌ را فراروی‌ حامیان‌ عراق‌ قرار داد، و این‌ به‌ معنای‌ گسترش‌ نتایج‌ ناشی‌ از پیروزی‌ های‌ سیاسی نظامی‌ ایران‌ در سطح‌ منطقه‌ خلیج‌فارس‌ و خاورمیانه‌ تلقی‌ میشد. با تغییر توازن‌ سیاسی- نظامی‌ به‌ سود ایران‌ و پیدایش‌ موقعیت‌ جدید، در واقع‌ ماهیت‌ جنگ‌ تغییر کرد. بدین‌ معنا که‌ پیش‌ از این‌ ایران‌ در برابر تهاجم‌ نسبتا غافلگیرانه‌ عراق، در موضع‌ تدافعی‌ قرار داشت‌ و بخشی‌ از سرزمینهایش‌ نیز در اشغال‌ دشمن‌ قرار گرفته‌ بود. اما در موقعیت‌ جدید قوای‌ اسلام‌ با به‌ دستگیری‌ ابتکار عمل‌ در جبهه‌های‌ نبرد و هجومهای‌ پی‌ درپی‌ به‌ نیروهای‌ عراق، اوضاع‌ را عمیقا به‌ سود جمهوری‌ اسلامی‌ ایران‌ تغییر دادند. در واقع‌ عنصر اصلی‌ و تعیین‌ کننده‌ در این‌ مرحله‌ که‌ منجر به‌ تغییر ماهیت‌ جنگ‌ نیز شد، توانمندی‌ رزمندگان‌ اسلام‌ برای‌ حمله‌ به‌ نیروهای‌ دشمن‌ و آزادسازی‌ مناطق‌ اشغالی‌ بود. این‌ مهم‌ با جذب‌ و سازماندهی‌ نیروهای‌ مردمی، گسترش‌ سازمان‌ رزم‌ سپاه‌ پاسداران‌ و تجدید قوای‌ نیروهای‌ ارتش‌ و همکاری‌ و هماهنگی‌ این‌ نیروها با یکدیگر حاصل‌ شد و در نتیجه‌ جنگ‌ پس‌ از فتح‌ خرمشهر به‌ منزله‌ اهرم‌ فشار جمهوری اسلامی‌ ایران‌ به‌ عراق‌ و کشورهای‌ مرتجع‌ منطقه‌ و تهدید منافع‌ آمریکا و غرب‌ تلقی‌ می‌ شد.

2- تغییر معادلات‌ و موازنه‌های‌ سیاسی‌ نظامی

تغییر توازن‌ سیاسی‌ - نظامی‌ در جنگ‌ و منطقه‌ خلیج‌فارس‌ به‌ سود جمهوری‌ اسلامی‌ ایران‌ ، مهمترین‌ و برجسته‌ترین‌ نتیجه‌ای‌ بود که‌ پس‌ از سلسله‌ عملیات‌ رزمندگان‌ اسلام‌ و کسب‌ پیروزیهای‌ بزرگ،از جمله‌ فتح‌ خرمشهر به‌ دست‌ آمد گرچه‌ با پیروزی‌ انقلاب‌ اسلامی‌ و برهم‌ خوردن‌ توازن‌ در منطقه‌ به‌ زیان آمریکا، تحولات‌ برجسته‌ای‌ در منطقه‌ به‌ وقوع‌ پیوست‌ و تحمیل‌ جنگ‌ براساس‌ این‌ فرض‌ طراحی‌ و اجرا شد تا با مهار و تعدیل‌ جمهوری‌ اسلامی‌ مجددا توازن‌ در منطقه‌ به‌ سود آمریکا برقرار شود، ولی‌ فتح‌ خرمشهر که‌ در نظر استکبار جهانی‌ و وابستگان‌ آن‌ به‌ منزله‌ سقوط‌ رژیم‌ عراق‌ و فروپاشی‌ کشورهای‌ منطقه‌ مورد ارزیابی‌ قرار میگرفت، در واقع‌ خط‌ بطلانی‌ بر نقشه‌های‌ استکبار و ارتجاع‌ کشید.

به‌ دنبال‌ برتری‌ موقعیت‌ ایران‌ پس‌ از فتح‌ خرمشهر، آمریکایی ها در مورد برخورد با ایران‌ و عراق‌ و مساله‌ جنگ، دو دیدگاه‌ کلی‌ داشتند. "کیسینجر" و برخی‌ دیگر بر این‌ نظر بودند که‌ با توجه‌ به‌ تبعات‌ ناشی‌ از پیروزیهای‌ ایران‌ و تاثیرات‌ آن‌ بر تغییر موازنه‌ در منطقه، لزوما میباید با دادن‌ امتیاز به‌ ایران، هرچه‌ زودتر در این‌ منطقه‌ آتش‌ بس‌ برقرار کنیم. برخی‌ دیگر از صاحبنظران‌ آمریکایی‌ عقیده‌ داشتند، در حالی‌ که‌ ایران‌ نسبت‌ به‌ عراق‌ در موضع‌ برتری‌ قرار گرفته‌ و نوعی‌ اضطراب‌ و نگرانی‌ در سراسر منطقه‌ مستولی‌ شده‌ است‌ و همچنین‌ با توجه به‌ وضعیت‌ نامطلوب‌ روحی‌ و روانی‌ ارتش‌ عراق، برقراری‌ هرگونه‌ آتش‌ بس‌ همراه‌ با دادن‌ امتیاز به‌ ایران، منجر به‌ تشدید بی‌ثباتی‌ در منطقه‌ و عراق‌ و به‌ عبارتی‌ گسترش‌ انقلاب‌ اسلامی‌ خواهد شد، و این‌ مساله‌ای‌ نیست‌ که‌ آمریکا نسبت‌ به‌ آن‌ بی‌تفاوت‌ باشد.

سخنان‌ و اعترافات‌ سیاستمداران‌ آمریکایی، بیانگر عمق‌ نگرانی‌ آنان‌ از سقوط‌ رژیم‌ عراق‌ و تغییر موازنه‌ قدرت‌ در منطقه‌ به‌ سود جمهوری‌ اسلامی‌ ایران‌ بود. بنابراین‌ احتمال‌ فروپاشی‌ رژیم‌ عراق‌ و تبعات‌ ناشی‌ از آن‌ در سطح‌ منطقه‌ خلیج‌ فارس، چنان‌ ابعاد گسترده‌ای‌ به‌ خود گرفت‌ که‌ جلوگیری‌ از آن، محور همه‌ تلاشها و اقدامات‌ نظامی‌ و دیپلماتیک‌ کشورهای‌ حامی‌ عراق‌ قرارگرفت.

با قرارگرفتن‌ ابتکار عمل‌ در دست‌ رزمندگان‌ اسلام‌ و قرارگرفتن‌ رژیم عراق‌ در یک‌ روند نزولی‌ در فرسایش‌ و اضمحلال‌ روحی‌ و فیزیکی‌ ناشی‌ از حملات‌ پیروزمندانه‌ ایران، تداوم‌ عملیات، مطلوب‌ عراق‌ و حامیان‌ این‌ کشور بویژه‌ آمریکا نبود. عکس‌العمل‌ کشورها در برابر پیروزی‌ رزمندگان‌ اسلام، علاوه‌ بر این‌ که‌ نشاندهنده‌ غافلگیری‌ آنها و همچنین‌ عدم‌ درک‌ روشن‌ آنها از ناتوانی‌ عراق‌ بود، بر این‌ مهم‌ نیز دلالت‌ داشت‌ که‌ طی‌ مراحل‌ مختلف‌ جنگ‌ و عملیات، قابلیتها وتواناییهای‌ غیرمنتظره‌ای‌ از رزمندگان‌ اسلام‌ بروز کرده‌است‌ و این‌ چیزی‌ نبود که‌ بتوان‌ بسادگی‌ از کنار آن‌ گذشت.

برخی‌ از تحلیلگران، پیدایش‌ وضعیت‌ جدید را نشانه‌ بی‌کفایتی‌ و محاسبات‌ اشتباه‌ صدام‌ ارزیابی‌ کردند، زیرا فرار نیروهای‌ عراقی‌ از ایران، که‌ بغداد آن‌ را "عقب‌ نشینی‌ تاکتیکی" نام‌ نهاد، به‌ منزله‌ آخرین‌ پیامی‌ بود که‌ در بطن‌ خود شکست‌ قطعی‌ عراق‌ و فروپاشی‌ نظام‌ آن‌ را نهفته‌ داشت. فرار نیروهای‌ عراقی، فلسفه‌ و علل‌ تهاجم‌ عراق‌ به‌ سرزمین‌ جمهوری‌ اسلامی‌ و اهدافی‌ را که‌ این‌ کشور دنبال‌ میکرد، زیر سوال‌ برد و همه‌ این‌ امور موقعیت‌ سیاسی‌ صدام‌ را به‌ شدت‌ تضعیف‌ کرد.

رسانه‌های‌ خارجی‌ و کارشناسان‌ و تحلیلگران‌ نظامی‌ غرب‌ درباره‌ وضعیت‌ جدید عراق‌ و ضعف‌ و ناتوانی‌ این‌ کشور، محورهای‌ زیر را مورد توجه قرار دادند:

شکست‌ سیاسی‌ نظامی‌ عراق‌ از نظر استراتژیکی‌ و تاکتیکی.

از دست‌ دادن‌ برگ‌ برنده‌ برای‌ مذاکرات‌ صلح.

- ضعف‌ روحی‌ نیروهای‌ عراقی‌ و تحقیرهای‌ ناشی‌ از شکستها و عقب‌ نشینی‌ پی‌ درپی.

- فزونی‌ یافتن‌ مشکلات‌ اقتصادی‌ عراق، بویژه‌ پس‌ از مسدود شدن‌ خط‌ لوله صدور نفت‌ از این‌ کشور توسط‌ سوریه.

- تردید کشورهای‌ عربی‌ در مورد توانایی‌ نظامی‌ عراق، علیرغم‌ کمکهای همه‌ جانبه‌ مالی‌۲۵ میلیارد دلاری‌ ، سیاسی‌ ، تبلیغاتی‌ و نظامی.

- ابهام‌ حامیان‌ عراق‌ در مورد سرنوشت‌ رژیم‌ این‌ کشور و حیات‌ سیاسی‌ صدام.

**3- نگرانی‌ ها و اقدامات‌ آمریکا**

پس‌ از پیروزیهای‌ چشمگیر ایران‌ در صحنه‌ جنگ‌ و فتح‌ خرمشهر، ایران‌ در موضعی‌ قرار گرفت‌ که‌ آمریکاییها تداوم‌ این‌ وضعیت‌ را به‌ زیان‌ خود ارزیابی‌ میکردند و توانایی‌ نظامی‌ ایران‌ و برتری‌ آن‌ نسبت‌ به‌ عراق‌ و پافشاری‌ بر احقاق‌ حقوقش‌ را نگران‌ کننده‌ میدانستند. آمریکاییها امیدوار بودند که‌ جنگ- به‌ زعم‌ آنها- ایران‌ را بر سر عقل‌ آورد. لذا براساس‌ درکی‌ که‌ از وضعیت‌ جدید و تبعات‌ ناشی‌ از آن‌ داشتند، اقدامات گسترده‌ای‌ را به‌ منظور تغییر مجدد اوضاع‌ به‌ سود عراق‌ در دستورکار خود قرار دادند.

از طرف‌ دیگر، علنی‌ شدن‌ حمایت‌ آمریکا از عراق- که‌ حاکی‌ از رودررویی‌ مستقیم‌ آمریکا با انقلاب‌ اسلامی‌ بود- با منافع‌ آنها در منطقه‌ مغایرت‌ داشت‌ و به‌ همین‌ سبب‌ سعی‌ میشد که‌ حتی‌المقدور آمریکا در اتخاذ مواضع‌ رسمی‌ در مورد جنگ، بی‌طرف‌ جلوه‌ کند. اما از این‌ پس‌ نگرانی‌ آمریکا اساسا به‌ نتایج‌ تغییر توازن‌ در جنگ‌ به‌ سود ایران، و تغییرات‌ ناشی از آن، یعنی‌ سقوط‌ رژیم‌ عراق‌ و متزلزل‌ شدن‌ کشورهای‌ منطقه‌ معطوف‌ شد.

آمریکا برای‌ رویارویی‌ با وضعیت‌ جدید و مهار آن‌ در جهت‌ منافع‌ خویش، نیاز به‌ تجدیدنظر در استراتژی‌ و سیاست‌ منطقه‌ای‌ خود داشت. زیرا عملا با تغییر توازن‌ در منطقه‌ خلیج‌فارس‌ و خاورمیانه‌ مواجه‌ بوده‌ و طبعا حوادث‌ منطقه‌ تاثیرات‌ متقابلی‌ بر یکدیگر داشتند. تلاشهای‌ همه‌ جانبه آمریکا در منطقه‌ خاورمیانه‌ و خلیج‌ فارس، بیانگر ارتباط‌ این‌ مسائل‌ میباشد. ورود آمریکا به‌ خاورمیانه‌ به‌ بهانه‌ "حفظ‌ صلح‌ خاورمیانه" در جهت‌ تلاش‌ برای‌ نیل‌ به‌ اهداف‌ مذکور بود. تلاش‌ بعدی‌ آمریکا در پی‌ درک‌ و تحلیل‌ اوضاع‌ منطقه‌ خلیج‌فارس‌ و خاورمیانه، تشکیل‌ "جبهه‌ میانهرو عرب" و ممانعت‌ از بی‌ثباتی‌ این‌ کشورها و تقویت‌ این‌ جبهه‌ در برابر "جبهه‌ پایداری‌ عرب" بود. بعلاوه‌ تلاش‌ برای‌ حفظ‌ صدام‌ و کمک‌ و تقویت‌ همه جانبه‌ رژیم‌ عراق، به‌ منظور مهار و کنترل‌ پیروزیهای‌ ایران‌ و همچنین سازماندهی‌ تلاشهای‌ دیپلماتیک‌ برای‌ تحمیل‌ صلح‌ به‌ ایران، بخش‌ دیگری‌ از کوششها و اقدامات‌ امریکا را تشکیل‌ میداد.

آمریکا برای‌ مقابله‌ با تغییر توازن‌ در منطقه‌ خلیج‌فارس‌ و خاورمیانه‌ مبادرت‌ به‌ تقویت‌ جبهه‌ میانهرو عرب‌ کرد، بدین‌ ترتیب‌ که‌ با ایجاد جو روانی- تبلیغاتی‌ بر نگرانی‌ این‌ کشورها افزود، به‌ گونه‌ای‌ که‌ منطقه‌ را در آستانه‌ یک‌ تحول‌ عظیم‌ که‌ نتایج‌ آن‌ عمدتا به‌ سود انقلاب‌ اسلامی‌ و یا شوروی‌ خواهد بود، برای‌ افکار عمومی‌ اعراب‌ و سران‌ وابسته‌ این‌ کشورها جلوه‌ داد. نگرانی‌ و اضطراب‌ کشورهای‌ منطقه، علاوه‌ بر این‌ که بخشی‌ از آن‌ متاثر از جو روانی- تبلیغاتی‌ آمریکا محسوب‌ می‌شد، عمدتا ناشی‌ از عملکرد این‌ کشورها در طول‌ جنگ‌ نیز بود که‌ به‌ نوعی‌ سرنوشت‌ آنها را با سرنوشت‌ رژیم‌ بعث‌ و صدام‌ پیوند زده‌ بود، ضمن‌ این‌ که‌ ماهیت‌ وابسته‌ این‌ رژیمها و عدم‌ اتکای‌ آنان‌ به‌ نیروهای‌ مردمی، موجب میگردید تا حاکمیت‌ این‌ کشورها هرچه‌ بیشتر در معرض‌ تهدید و سقوط قرار گیرد. حضرت‌ امام‌ خمینی‌ (ره) با توجه‌ به‌ این‌ مطلب‌ و این‌ که‌ آمریکا در پی‌ ایجاد یک‌ انسجام‌ عمومی‌ از کشورهای‌ منطقه‌ و حمایت‌ جدی‌ آنان‌ از عراق‌ است، بلافاصله‌ پس‌ از شروع‌ عملیات‌ و در آستانه‌ فتح خرمشهر، به‌ کشورهای‌ منطقه‌ خاطر نشان‌ ساختند که‌ اگر از عراق‌ حمایتنکنند دلیلی‌ برای‌ این‌ که‌ بیم‌ و هراسی‌ به‌ دل‌ راه‌ دهند، وجود ندارد. امام‌ (ره) همچنین‌ به‌ کشورهای‌ منطقه‌ هشدار دادند که‌ سرنوشت‌ خود را با صدام‌ پیوند نزنند.

آمریکا همچنین‌ به‌ دنبال‌ تشدید نگرانی‌ کشورهای‌ منطقه‌ از نتایج‌ پیروزیهای‌ ایران‌ و بهره‌برداری‌ شوروی‌ از وضعیت‌ جدید تلاش‌ کرد تا کشور مصر را- که‌ پس‌ از امضای‌ قرارداد کمپ‌ دیوید از سوی‌ کشورهای‌ عربی‌ طرد و منزوی‌ شده‌ بود - به‌ جرگه‌ اعراب‌ برگرداند و بدین‌ وسیله‌ علاوه‌ بر تقویت‌ جبهه‌ میانهرو عرب‌ در برابر جبهه‌ پایداری، با اتکا به‌ توازن‌ نظامی‌ این‌ کشور، منطقه‌ را در برابر حوادث‌ غیر مترقبه‌ حفظ‌ نماید.

بخش‌ دیگر تلاش‌ آمریکا، به‌ تشکل‌ کشورهای‌ حاشیه‌ خلیج‌فارس‌ که‌ از مدتها قبل‌ شورایی‌ تحت‌ عنوان‌ کشورهای‌ همکاری‌ خلیج(فارس) تشکیل‌ داده‌ بودند، معطوف‌ شد. کنفرانس‌ اضطراری‌ این‌ شورا، قبل‌ از فتح‌ خرمشهر به‌ منظور بررسی‌ آخرین‌ تحولات‌ جنگ‌ ایران‌ و عراق‌ و امنیت‌ خلیج‌فارس‌ و مسائل‌ مربوط‌ به‌ آن‌ برگزار گردید. تاکید اساسی‌ در این‌ کنفرانس‌ مربوط‌ به افزایش‌ کمک‌ های‌ مالی‌ و نظامی‌ به‌ عراق‌ بود.

۴- تلاش‌ برای‌ حفظ‌ صدام‌ و تحمیل‌ صلح‌ به‌ ایران

ثبات‌ سیاسی‌ عراق، تنها در صورت‌ وجود یک‌ مرکزیت‌ قوی‌ امکانپذیر است. علت‌ این‌ امر بافت‌ قوی‌ مردم‌ عراق‌ و گرایشهای‌ مذهبی‌ آنها و موقعیت جغرافیایی‌ این‌ کشور است. بخشی‌ از علل‌ تداوم‌ حیات‌ سیاسی‌ صدام‌ و حزب‌ بعث‌ نیز برخاسته‌ از همین‌ وضعیت‌ است. زمانی‌ که‌ بر اثر پیروزیهای نظامی‌ ایران‌ وضعیت‌ به‌ سود جمهوری‌ اسلامی‌ تغییر کرد و ضعف‌ و ناتوانی‌ عراق‌ بر حامیان‌ این‌ کشور آشکار شد، غربیها و حامیان‌ منطقه‌ای‌ صدام در مورد ادامه‌ بقای‌ سیاسی‌ او دچار ابهام‌ و تردید شدند. زیرا صدام علی‌ رغم‌ حمایتهای‌ شرق‌ و غرب‌ و در حالی‌ که‌ جمهوری‌ اسلامی‌ ایران‌ در اوضاع‌ نابسامان‌ پس‌ از پیروزی‌ انقلاب‌ بسر میبرد، نه‌ تنها اهداف‌ مورد نظر آمریکا را تامین‌ نکرد، بلکه‌ با شکستهای‌ پیدرپی‌ وضعیتی‌ را فراهم آورد که‌ منافع‌ آمریکا در سطح‌ منطقه‌ عمیقا مورد تهدید قرار گرفت.

بر همین‌ اساس، از این‌ پس‌ آمریکا جلوگیری‌ از سقوط‌ احتمالی‌ صدام‌ را به‌ عنوان‌ یکی‌ از اصول‌ محوری‌ سیاست‌ و اقدامات‌ خود قرار داده‌ و متعاقب‌ آن، کمکهای‌ همه‌ جانبه‌ و گسترده‌ غرب‌ و شرق‌ به‌ عراق‌ سرازیر گردید. این‌ کمکها شامل‌ اقدامات‌ دیپلماتیک‌ جهت‌ تقویت‌ موقعیت‌ سیاسی‌ صدام‌ و رژیم‌ بعث‌ درمنطقه ، حمایت‌ آشکار سیاسی- تبلیغاتی‌ از عراق‌ در برابر ایران، فروش‌ تجهیزات‌ به‌ عراق‌ و کمکهای‌ همه‌ جانبه‌ مالی‌ و اطلاعاتی‌ به‌ عراق‌ بود.

در تمامی‌ پیشنهادهای‌ صلح‌ به‌ ایران، آتش‌ بس‌ بر عقب‌ نشینی‌ تقدم‌ داشت.

طبعا پذیرش‌ چنین‌ پیشنهادی‌ از سوی‌ ایران‌ به‌ این‌ معنا بود که‌ عراقیها پس‌ از حمله‌ به‌ جمهوری‌ اسلامی‌ و شکست‌ در دستیابی‌ به‌ اهداف‌ مورد نظر خود، در پی‌ برقراری‌ آتش‌ بس، بدون‌ این‌ که‌ از مناطق‌ اشغالی‌ عقب‌ نشینی کنند، در کمال‌ آرامش‌ در این‌ مناطق‌ استقرار می‌ یافتند تا امتیازات‌ لازم‌ را اخذ و سپس‌ اقدام‌ به‌ عقب‌ نشینی‌ کنند. بر همین‌ اساس‌ بود که شهید رجائی‌ رئیس‌ جمهور وقت، پس‌ از عملیات‌ "فرمانده‌ کل‌ قوا" که‌ در تاریخ‌۳/۳/۱۳۶۰، در محور دارخوین‌ واقع‌ در جبهه‌ جنوبی‌ انجام‌ گرفت، اظهار داشت: "ما سرنوشت‌ جنگ‌ را در میادین‌ جنگ‌ تعیین‌ خواهیم‌ کرد.

به‌ دنبال‌ فتح‌ خرمشهر و پیدایش‌ اوضاع‌ جدید و احتمال‌ سقوط‌ صدام، یکی از راه‌ حلهای‌ فوری‌ برای‌ گریز از نتایج‌ ناشی‌ از پیروزیهای‌ نظامی‌ ایران، توقف‌ جنگ‌ ارزیابی‌ میشد. درخواست‌ آمریکا از کشورهای‌ منطقه، مبنی‌ بر اعمال‌ فشار به‌ ایران‌ برای‌ پذیرش‌ آتش‌ بس، نشان‌ دهنده‌ نحوه‌ نگرش‌ آمریکاییها به‌ ماهیت‌ صلح‌ میباشد. در واقع‌ مفهوم‌ صلح‌ در نظر آمریکاییها و کلیه‌ تلاشهایی‌ که‌ غرب‌ و کشورهای‌ منطقه‌ دنبال‌ میکردند، اساسا معطوف‌ به‌ ممانعت‌ از سقوط‌ صدام‌ و اعمال‌ فشار به‌ ایران‌ برای انصراف‌ از حقوق‌ حقه‌اش‌ بود. همچنین‌ تداوم‌ جنگ‌ در این‌ موقعیت‌ نیز با توجه‌ به‌ اوضاع‌ نابسامان‌ روحی‌ و روانی‌ ارتش‌ عراق‌ و برتری‌ غیرقابل‌ انکار رزمندگان‌ اسلام، به‌ زیان‌ منافع‌ غرب‌ و آمریکا در منطقه‌ می‌انجامید.

وزرای‌ خارجه‌ کشورهای‌ خلیج‌ فارس‌ در پی‌ برگزاری‌ اجلاس‌ فوری‌ سران‌ کشورهای‌ حاشیه‌ خلیج‌ فارس، ضمن‌ بررسی‌ اوضاع‌ منطقه‌ و وضعیت‌ بی‌ثبات‌ عراق‌ اعلام‌ کردند که‌ پایان‌ جنگ‌ را برای‌ حفظ‌ ثبات‌ و امنیت‌ این‌ منطقه حیاتی‌ میدانند.

درخواست‌ عقب‌ نشینی‌ بدون‌ قید و شرط‌ و رفع‌ اشغال‌ فوری‌ خاک‌ میهن‌ اسلامی‌ و سپس‌ برقراری‌ آتش‌ بس، کمترین‌ و طبیعی‌ ترین‌ حق‌ مسلم‌ کشوری‌ است‌ که‌ در موقعیتی‌ کاملا نامساعد، وحشیانه‌ مورد تجاوز واقع‌ شده‌ است‌ و نیز درخواست‌ تعیین‌ متجاوز و پرداخت‌ غرامت، لازمه‌ برقراری‌ ثبات‌ در منطقه بود، ولی‌ آمریکا و حامیان‌ عراق‌ همواره‌ از پذیرش‌ شرایط‌ جمهوری‌ اسلامی طفره‌ میرفتند و فقط‌ سعی‌ میکردند که‌ با تحمیل‌ صلح‌ به‌ ایران، آنچه‌ را که‌ عراق، علی‌ رغم‌ حمایتهای‌ همه‌ جانبه‌ استکبار جهانی‌ و اذناب‌ آن نتوانست‌ در میدان‌ نبرد کسب‌ کند، در پشت‌ میز مذاکره‌ به‌ دست‌ آورد. از این‌ پس، تلاشهای‌ آمریکا برای‌ حمایت‌ همه‌ جانبه‌ از عراق‌ و تجهیز این کشور و نیز فشارهای‌ وارده‌ به‌ جمهوری‌ اسلامی‌ برای‌ پذیرش‌ صلح‌ تحمیلی‌ افزایش یافت.